

بررسی پذیرش خطر در حقوق انگلیس با قاعده اقدام در فقه و حقوق ایران

سید ابوالقاسم تقیبی*
خدیجه شیروانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۱

چکیده

مسئولیت و ضمان در فقه، به خاطر احترام به مالکیت خصوصی و اموال اشخاص به وجود آمده است و هرگاه شخص با رضایت خود، احترام مال و جان خود را از بین ببرد، ضمان نیز منتفی می شود. قاعده اقدام در فقه گویای این حقیقت است. این قاعده با قاعده پذیرش خطر در حقوق انگلیس مشابه است. پذیرش خطر به این معنی است که هرگاه شخصی با علم و آگاهی از وجود خطر خود را در موقعیت خطرناک قرار دهد و به این علت خسارتی به وی برسد، حقی بر جبران خسارت ندارد؛ بنابراین شایسته است این دو قاعده با دقت مورد بررسی قرار گیرند و شرایط، گستره و مصادیق هر یک بیان شود و همچنین وجوه اشتراک و افتراق آن ها آشکار گردد.

کلیدواژه‌ها: پذیرش خطر، حقوق ایران، حقوق انگلیس، ضمان، قاعده اقدام، مسئولیت مدنی.

مقدمه

قاعده اقدام در کتاب های فقهی کمتر به عنوان قاعده مورد بررسی قرار گرفته است و فقهایی که به بررسی این قاعده پرداخته اند، به نقل مثال هایی اکتفا کرده اند؛ اما کمتر به بررسی قلمرو و شرایط تحقق قاعده پرداخته اند. هنگام مطالعه قاعده اقدام این پرسش ها مطرح می گردد که چه شرایطی لازم است تا خواننده بتواند مدعی گردد، خواهان، خود باعث ورود ضرر به خود شده است و بنابراین تکلیفی بر جبران خسارت وارده به خواهان ندارد؟ آیا آن گونه که از کلام فقها استنباط می گردد، تنها در مواردی می توان به قاعده اقدام استناد کرد که تقصیر خواهان به تنهایی باعث ورود ضرر به وی شده است و بنابراین قاعده اقدام به طور کلی مسقط ضمان است یا در مواردی نیز که تقصیر خواننده همراه با تقصیر خواهان موجب ورود خسارت می گردد، می توان به این قاعده متوسل شد و خواهان را به طور جزئی از جبران خسارت محروم کرد؟ علاوه بر این موارد با مطالعه مثال هایی که فقها هنگام بحث از قاعده اقدام نقل کرده اند می توان دریافت که آن ها تنها خسارات وارد بر اموال را بررسی کرده اند. پس آیا از دید آن ها در خسارات وارد بر جان و صدمه های بدنی قاعده اقدام کارایی ندارد؟ هنگام بررسی این موارد در قاعده اقدام، با توجه به هم پوشانی هایی که این قاعده با قاعده پذیرش خطر در حقوق انگلیس دارد، سعی می شود ابتدا قاعده پذیرش خطر مورد بررسی قرار گیرد و روشن شود چه شرایطی باید احراز گردد تا خواننده بتواند به علت تقصیر خواهان در ورود ضرر به خود، به این قاعده تمسک جوید و تکلیف جبران خسارت از عهده وی ساقط گردد؟ این قاعده تا چه اندازه مورد پذیرش دادگاه ها قرار می گیرد و در چه مواردی قانون یا رویه قضایی پذیرش آن را ممنوع کرده است؟ همچنین باید دید قاعده اقدام و دفاع پذیرش خطر چه شباهت هایی با هم دارند و چه تأثیری بر مسئولیت مدنی می گذارند؟

پذیرش خطر

مفهوم پذیرش خطر

پذیرش خطر^۱ به این معنی است که اگر کسی دانسته خطری را قبول کند، در حقیقت به ضرر خود اقدام کرده است و بنابراین مستحق دریافت خسارت بابت زیان وارده نیست. در این قاعده خواننده ادعا می کند خواهان از خطری که موجب ایجاد خسارت شده است، آگاه بوده و این خطر را آگاهانه پذیرفته است و اگر این ادعا به وسیله دادگاه پذیرفته شود، خواننده از جبران خسارت معاف می گردد (Stuhmcke, 2001: 71).

پذیرش خطر در کامن لا از جمله دفاع های عمومی محسوب می شود؛ به این معنا که این قاعده مخصوص شاخه خاصی از مسئولیت مدنی نیست بلکه ممکن است در تمام شاخه های

مسئولیت مدنی^۲ توسط خواننده مورد استناد قرار بگیرد و سعی کند با توسل به این قاعده عدم تقصیر خود را ثابت نماید و در نتیجه از جبران خسارت خواهان رهایی یابد (Harpwood, 2009: 467). این قاعده در مواردی مورد استناد قرار می گیرد که زیان دیده با اقدامی که انجام می دهد در واقع خسارتی که به وی وارد می شود را می پذیرد و نسبت به آن رضایت دارد و در نتیجه نمی تواند نسبت به خسارتی که به وی وارد شده است شکایت کند (Harpwood, 2009: 473).

برخی از نویسندگان با بررسی پرونده هایی که این دفاع در آن مورد استناد قرار گرفته است عقیده دارند که پذیرش خطر در سه بخش می توان بررسی کرد:

الف) مقصود از پذیرش خطر این است که خواهان، خود رضایت می دهد خواننده از تعهدی که در مقابل وی دارد بری شود. در این فرض خواننده تعهدی در برابر خواهان ندارد.

ب) خواهان با اراده خود و با علم به اینکه خواننده از او در مقابل خطر حمایتی نمی کند، با او قرارداد می بندد و به طور صریح یا ضمنی، به تقصیر خواننده رضایت می دهد. مثلاً مسافر با اینکه می داند ترمز ماشین خراب است باز هم سوار آن می شود.

ج) خواهان ضمن آگاهی از خطر ناشی از تقصیر خواننده، به صورت داوطلبانه آن را می پذیرد. برای مثال اگر راننده مست باشد و خواهان علی رغم اینکه به این وضعیت آگاه است سوار ماشین وی شود، در حقیقت خطر را پذیرفته است و خواننده در مقابل وی مسئولیت ندارد (Prosser, 1971: 440).

با توجه به مطالب پیش گفته در اینکه آیا مفهوم پذیرش خطر و رضایت یکسان است یا خیر، بین صاحب نظران حقوق انگلیس اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری از آن ها این دو مفهوم را یکسان فرض کرده اند و تفاوتی بین آن ها قائل نیستند (Harpwood, 2009: 473). (Cavendish, 2002: 116)؛ در حالی که بعضی دیگر بین آن دو به این نحو تفاوت قائل شده اند:

در مورد تقصیر عمدی که شخص به ورود زیان مالی یا جانی معین بر خود رضایت می دهد، اصطلاح رضایت (Consent) به کار می رود، ولی در مورد خطای غیر عمد مثل موردی که فرد اقدامی می کند که ممکن است برایش زیان بار باشد و یا به اقدامی رضایت می دهد که احتمال ورود ضرر به او را دارد، واژه پذیرش خطر به کار می رود (Campbell, 1990: 1576)؛ همچنین گفته شده است تفاوت بین پذیرش خطر و رضایت

۲. در گذشته نظام حقوقی انگلیس در زمینه مبنای مسئولیت مدنی کثرت گرا بود؛ به این معنی که Tort یا مسئولیت مدنی به شاخه های متعددی از جمله تقصیر، مزاحمت، توهین و افتراء، تجاوز به مال یا شخص، ضرب و جرح و ... تقسیم می شد. در حال حاضر نیز این تقسیم بندی در کتاب های مسئولیت مدنی انگلیس به چشم می خورد و بر هر یک از این شاخه ها اصول خاص از جمله دفاع های مخصوص به هر یک، حکم فرما می باشد، اما حقوق دانان جدید معتقدند با توجه به گسترش چشم گیر حوزه تقصیر، تقصیر اصل محسوب می گردد و شاخه های دیگر فرعی هستند و بنابراین در حال حاضر نظام حقوقی مسئولیت مدنی انگلیس، بینابین محسوب می شود (رجوع کنید به: فهرست مطالب کتاب های مذکور در منابع انگلیسی و نیز (Harpwood, 2000: 20).

شرایط اجرای قاعده پذیرش خطر

به منظور اثبات پذیرش خطر در دادگاه، خواهان باید به وجود خطر علم داشته باشد، به طور کامل متوجه آن خطر باشد و داوطلبانه خطر را بپذیرد. علاوه بر این موارد، مسئله مهم این است که باید دامنه خطری که خواهان به آن رضایت داده است مورد شناسایی قرار گیرد؛ چرا که پذیرش یک خطر به معنی پذیرش همه خطرها نیست (Stuhmcke, 2001: 72). در ادامه به توضیح هر یک از این شرایط می پردازیم:

علم خواهان به اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر قضیه

علم خواهان به وقایعی که ایجاد کننده خطر هستند باید به اثبات برسد. برای مثال در پرونده‌هایی که راننده مست است و مسافر نیز به اندازه‌ای مشروب استفاده کرده است که توان تشخیص مست بودن راننده را نداشته است، این دفاع از طرف دادگاه پذیرفته نشده است (Sloan v. Kirby, 1979). اگر فردی موتورسیکلت دیگری را بگیرد بدون اینکه نحوه استفاده از آن را بداند و مالک هم درباره نحوه استفاده و کنترل موتور به راننده تعلیمات ناقص و اندک بدهد و موتورسوار صدمه ببیند، نمی توان به قاعده رضایت زیان دیده و پذیرش خطر استناد کرد؛ چرا که عدم کنترل موتورسیکلت ناشی از ناآگاهی او بوده و اگر موتورسوار به نحوه کنترل و راه اندازی موتورسیکلت علم داشت و می دانست این جهل به زیان او می انجامد، از موتورسواری خودداری می کرد. در حقیقت همان مقدار تعلیمات برای کنترل موتورسیکلت کافی بود (Harpwood, 2009: 418).

علم خواهان به ماهیت و دامنه خطر

شناخت ماهیت و محدوده خطری که مورد پذیرش واقع شده است مهم است. برای مثال در دعوی Roots علیه Shelton در سال ۱۹۶۷ خواهان هنگامی که در حال اجرای ورزش اسکی روی آب بود، با اسکله کشتی برخورد شدیدی کرد و آسیب دید. وی ادعا کرد آسیبی که متحمل شده است در نتیجه بی احتیاطی خوانده بوده است، چرا که او خواهان را از وجود کشتی در حال توقف آگاه نکرده است. در مقابل خوانده ادعا کرد، خواهان با ورودش به این ورزش خطرات آن را نیز پذیرفته است، اما دادگاه رأی داد که هرچند اسکی روی آب یک ورزش خطرناک است اما خواهان تنها خطرات اجتناب ناپذیر این ورزش را پذیرفته است نه خطر برخورد با موانعی که به طور غیرقابل پیش بینی در آب هستند.

پذیرش خطر توسط خواهان به طور آگاهانه

دادگاه‌ها در مواردی که عمل خواهان داوطلبانه نبوده است یا خواهان خطر را نپذیرفته است، این دفاع را نمی پذیرند. در حقیقت خواهان باید داوطلبانه و از روی اختیار خطر را بپذیرد. برای مثال در پرونده امدادگران نجات، زمانی که امدادگران

این است که در پذیرش خطر، خواهان به خطر موجود رضایت می دهد در حالی که مفهوم رضایت این است که موافقت شخص برای اتفاق افتادن حادثه‌ای اخذ شده است (Stuhmcke, 2001: 71) در فرهنگ‌های فارسی در معنای رضایت معانی متفاوتی به کار برده اند، از جمله قبول مخاطره، اقدام به ضرر خود و اینکه اگر کسی قبول خطر کند، مستحق دریافت خسارت نمی باشد (رفیعی، ۱۳۸۳: ۴۸ و ۵۵۴) در حقوق ایران نیز برخی از حقوق دانان بین رضایت زیان دیده و پذیرش خطر تفاوتی قائل نشده اند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۳۷)؛ اما به نظر می رسد هرچند

این دو نهاد شباهت‌های فراوانی با هم دارند، در حقیقت از یکدیگر متفاوت هستند؛ دامنه رضایت زیان دیده گسترده تر از پذیرش خطر است؛ چرا که رضایت زیان دیده اشکال متفاوتی دارد و ممکن است به صورت قرارداد یا به طور یک جانبه، قبل یا بعد از ورود خسارت ابراز گردد. رضایت زیان دیده قبل از وقوع فعل زیان بار ممکن است به صورت قراردادهای تحدید مسئولیت یا سلب مسئولیت منعقد گردد. اگر قبل از وقوع فعل زیان بار و ورود خسارت، رضایت زیان دیده اخذ نشده باشد، حق مطالبه خسارت برای زیان دیده ایجاد می شود اما ممکن است زیان دیده به موجب قرارداد با فاعل زیان توافق نماید و از جبران خسارت چشم پوشی کند یا حتی بدون رضایت فاعل زیان وی را ابراء کند و از دریافت غرامت درگذرد. در حالی که با بررسی پرونده‌هایی که در آن‌ها به دفاع پذیرش خطر استناد شده است به نظر می رسد پذیرش خطر هنگامی صدق می کند که فرد با علم و آگاهی، خود را در معرض خطر موجود یا قریب الوقوع قرار می دهد و در حقیقت مرتکب تقصیر می شود و با اقدام خود زیان‌های ناشی از این تقصیر را بپذیرد و به این علت هیچ حقی برای وی به منظور مطالبه خسارت ایجاد نمی شود. شخصی که به این نحو خطری را می پذیرد در واقع احترام مال و جان خود را از بین برده است و علاوه بر خسارات وارد بر اموال در خسارات وارد بر جان نیز این دفاع پذیرفته می شود؛ اما حقوق دانان هنگام بحث از رضایت زیان دیده خسارات وارد بر اموال را از خسارات وارد بر اشخاص متمایز می کنند.

در مورد خسارتی که ممکن است به اموال شخص وارد شود، توافق دو طرف و اراده مالک به استناد ماده ۳۰ قانون مدنی اصولاً معتبر است، اما به استناد شرط عدم مسئولیت یا رضایت مالک نمی توان به عمد به دیگری خسارت وارد کرد؛ چرا که نظم عمومی ایجاب می کند هیچ کس در اضرار به دیگری آزاد نباشد. در مورد صدمه‌های بدنی و زیان‌های مربوط به شخصیت و آزادی، رضایت زیان دیده اثر ندارد، زیرا بدن انسان و شخصیت او موضوع قرارداد واقع نمی شود مگر پاره‌ای اعمال خطرناک و در عین حال مفید مانند اعمال جراحی که ممکن است بیمار را نجات دهد اما احتمال خطر نیز در آن‌ها وجود دارد که در این زمینه مقررات خاصی در قانون مجازات اسلامی آمده است (همان: ۱۶۲ و ۱۶۳).

Woolridg علیه Sumer در سال ۱۹۶۳ قاضی با اتخاذ این دیدگاه که تماشاگران خطر آسیب به خود را نسبت به خطراتی که قابل پیش بینی هستند، می پذیرند؛ در پرونده‌ای که خواهان عکاس بود، رأی داد که وی به خطرات احتمالی رضایت داشته است؛ چرا که او وقتی در جریان شکار یک شکارچی وارد شد، به سختی می توان گفت که او یک رفتار عادی انجام داده است (Harpwood, 2009: 475).

رانندگان مست: دفاع پذیرش خطر در مواردی که در آن‌ها خواهان قبول می کند با اتومبیلی که راننده‌اش مست است، جابه جا شود، پذیرفته نشده است و این امر به دلیل اعمال ماده ۱۴۹ قانون ترافیک جاده‌ای مصوب ۱۹۸۸ است. با این حال این دفاع در مورد وسایل نقلیه غیرزمینی مانند هواپیما اعمال می شود. در دعوی Morris علیه Murray سال ۱۹۹۸ خواهان و خواننده هر دو با هم به مقدار زیادی شراب نوشیدند و سوار هواپیما شدند و خواننده در اثر سقوط هواپیما درگذشت. در این دعوا دادگاه به دفاع پذیرش خطر استناد کرد، بر این اساس که خواهان باید می دانست دوستش با حالت مستی که داشته برای خلبانی صلاحیت ندارد (Harpwood, 2009: 476).

پذیرش صریح خطر

در این مورد خواهان به طور صریح به خطر رضایت می دهد. برای مثال در دعوی Bennett علیه Tugwel در سال ۱۹۷۱ خواهان سوار اتومبیل خواننده شد. در اتومبیل علامتی وجود داشت که حاکی از هشدار به مسافران بود. کسانی که با این اتومبیل مسافرت می کردند خطرات آن را به طور صریح می پذیرفتند. دادگاه علیه خواهان رأی داد که وی به طور داوطلبانه خطرات ناشی از تقصیر راننده را پذیرفته است و ادعایش رد گردید؛ همچنین در دعوی Birch علیه Thomas در سال ۱۹۷۲ خواننده، راننده‌ای بود که ۱۹ سال داشت و به این علت نتوانست تحت پوشش بیمه قرار بگیرد. بر اساس پیشنهاد نماینده شرکت بیمه وی اظهاری را در ماشین خود چسباند مبنی بر اینکه مسافران با پذیرش خطر رانندگی سوار می شوند و هیچ شکایتی از طرف مسافر علیه راننده پذیرفته نمی شود. خواننده این اطلاعیه را به خواهان گوشزد کرد اما خواهان که بعد از آن بر اثر رانندگی آسیب دید، علیه خواننده اقامه دعوا کرد. دادگاه بر اساس اینکه خواهان از مفاد اطلاعیه آگاه بوده است رأی داد خواهان مستحق جبران خسارت نیست (Stuhmck, 2001: 75).

استثنای قاعده پذیرش خطر

الف) به موجب قانون ترافیک جاده‌ای مصوب ۱۹۹۸ خواندگانی که مشمول بیمه اجباری هستند، نمی توانند به دفاع پذیرش خطر توسط زیان دیده استناد کنند. البته این مقرره تنها مربوط به وسایل نقلیه موتوری زمینی است و در مورد وسایل حمل و نقل دیگر مثل هواپیما این دفاع پذیرفته نمی شود (Harpwood, 2009: 474).

در حین عملیات امداد آسیب دیده بودند، دادگاه دفاع پذیرش خطر را رد کرد با این استدلال که تعهدات اخلاقی یک امدادگر هنگام مواجهه با وضعیت مخاطره آمیز آزادی عمل امدادگر را سلب می کند و در حقیقت وی مجبور به انجام عملیات نجات است (Haynes v. G. Harwood: 1935). آگاهی از وجود خطر دلیل بر پذیرش آن خطر نیست (Ibid: 73). حقوق دانان انگلیس عقیده دارند برای پی بردن به اینکه خواهان با میل خود خطر را پذیرفته است، باید به رفتارهای خارجی خواهان در زمان بروز حادثه توجه کنیم. جایی که خواهان از وجود خطر آگاه است، این امر دلیل بر رضایت وی به خطر نیست و باید توجه داشت رضایتی موجب پذیرش این دفاع می شود که با میل خواهان صورت گرفته باشد (Elliot & Quinn, 2011: 122).

مصادیق قاعده پذیرش خطر

پذیرش خطر ممکن است به صورت صریح یا ضمنی باشد. در اکثر پرونده‌ها پذیرش خطر به طور ضمنی است و خواننده باید با استناد به رفتار خواهان این دفاع را اثبات نماید.

پذیرش ضمنی خطر

کارگر و کارفرما: در قرن نوزدهم این قاعده که در صورت ورود کارگر به کاری فرض می شود وی تمام خطرات آن را پذیرفته است، از دفاعیات مهم محسوب می شد (Stuhmck, 2001: 74). هم اکنون موارد بسیار نادری می توان یافت که در آن‌ها دادگاه علیه کارگر دفاع پذیرش خطر را قبول نماید. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، کارفرمایان موظف به رعایت ایمنی و سلامت کارگران هستند. یک پرونده غیر معمول که در این زمینه وجود دارد، عبارت است از دعوی Gledhil علیه Liverpool Abattoir Co Ltd در سال ۱۹۵۷ که در آن خواهان در یک شکارگاه مشغول به کار بود. هنگامی که یک خوک را شکار کردند و آن را از پاهایش آویزان کردند، خوک بر سر خواهان سقوط کرد و وی آسیب دید. دادگاه حکم داد کارگرانی که در این شکارگاه مشغول به کار هستند از خطرات آن آگاه هستند و با ورود خود به شکارگاه خطرات آن را قبول کرده اند (Harpwood, 2009: 474).

ورزش های خطرناک: شرکت کنندگان در ورزش های خطرناک با ورود به ورزش، برخی از اعمال خطرناک که در محدوده مقررات ورزش می باشد و وقوع آن‌ها در آن ورزش اجتناب ناپذیر است را پذیرفته اند، اما اعمال خشونت آمیزی که خارج از محدوده ورزش می باشد را پیش بینی نکرده اند و در حقیقت آن‌ها را نپذیرفته اند. این خطرات ورزشی نسبت به تماشاگران نیز ممکن است اعمال گردد؛ به این نحو که تماشاگران نیز با ورودشان به ورزشگاه برخی از این خطرات را می پذیرند و در واقع به آن‌ها رضایت داده اند. در دعوی

آثار قاعده پذیرش خطر

پذیرش خطر یک دفاع تمام عیار است؛ به این معنی که اگر این دفاع در دادگاه پذیرفته شود، خواننده به طور کامل از جبران خسارت معاف می‌گردد (Stephenson, 2002: 549). در حقوق کنونی انگلیس دفاع پذیرش خطر توسط دادگاه‌ها به ندرت پذیرفته می‌شود. حقوق دانان عمده‌ترین دلایل این امر را یکی تصویب قانون ترافیک جاده‌ای مصوب ۱۹۹۸ (که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت)^۴ و دیگری تصویب قانون اصلاحی تقصیر مشترک^۵ مصوب ۱۹۴۵ می‌دانند؛ مطابق بند اول ماده ۱ این قانون، در هر مورد که شخصی در نتیجه تقصیر خود و دیگری، متحمل زبانی گردد، دعوای ضرر و زیان فرد مزبور به دلیل تقصیر زیان دیده منتفی و ملغی نمی‌گردد، بلکه زیان‌های قابل وصول، در حدی که دادگاه با توجه به سهم مدعی از مسئولیت (تأثیر تقصیر زیان دیده در ورود زیان و میزان مداخله وی) منصفانه بداند، کاسته خواهد شد؛ بنابراین تقصیر مشترک نیز از دفاعیات عمومی است که در آن تقصیر خواهان همراه با تقصیر خواننده باعث ورود ضرر به خواهان می‌گردد و به علت مداخله خواهان در ورود ضرر به خود، دادگاه تنها به اندازه‌ای که خواننده در ایراد خسارت به خواهان نقش داشته است وی را محکوم به جبران خسارت می‌کند و بنابراین یک دفاع کامل محسوب نمی‌شود. به همین علت دادگاه‌ها بیشتر تمایل دارند به این دفاع استناد کنند؛ چرا که با تمسک جستن به این دفاع، خواهان به طور کلی از جبران خسارت محروم نمی‌شود و این امر به نفع خواهان است. برای مثال در پرونده کانادایی Holomis علیه Dubuc در سال ۱۹۷۵ زمانی که یک مسافر در حال مسافرت در دریا بود و یک شیء که در دریا غوطه‌ور بود به کشتی‌شان برخورد کرد و در نتیجه آب وارد کشتی شد و مسافر بدون اینکه جلیقه نجات داشته باشد، تصمیم گرفت در آب بپرد و شنا کند تا نجات پیدا کند؛ اما متأسفانه وی غرق شد؛ در حالی که اگر در کشتی می‌ماند، نجات می‌یافت و خطری وی را تهدید نمی‌کرد. دادگاه رأی داد خسارات پرداختی به ورثه خواهان باید حداقل تا ۵۰٪ کاهش یابد؛ زیرا خواهان در خطا مشارکت داشته است و تقصیر کرده است.

همچنین در دعوای برخاسته از روابط کارگر و کارفرما استناد به دفاع پذیرش خطر بسیار محدود شده است چرا که به موجب پرونده Johnstone علیه Bloomsbury در سال ۱۹۹۱ تکالیف کارفرما مبنی بر به کار گرفتن دقت، احتیاط و حفظ سلامت کارگر با قراردادهای استخدامی محدود نمی‌شوند و کارفرما در

قبل از تصویب این قانون رانندگانی که وسیله نقلیه خود را بیمه نکرده بودند در مواردی که به واسطه تصادف وسیله نقلیه آن‌ها مسافری آسیب می‌دید، سعی می‌کردند با استناد به دفاع پذیرش خطر توسط مسافر از جبران خسارت آن‌ها معاف گردند، اما این قانون بیمه را برای وسایل نقلیه موتوری زمینی اجباری کرد و ماده ۱۴۹ آن مقرر داشت که هرگونه تلاش برای رها شدن از مسئولیت مسافران توسط راننده بی‌تأثیر است (Elliot & Quinn, 2011: 124).

ب) در مواردی که بین خواهان و خواننده قراردادی وجود دارد و ممکن است بر اثر انجام این قرارداد خسارتی وارد گردد، خواننده سعی می‌کند شرط استثنایی که متضمن پذیرش ریسک توسط خواهان است را در قرارداد بگنجانند. شایع‌ترین مثالی که در این زمینه می‌توان استفاده کرد این است که مدیران پارکینگ‌های عمومی ضمن قراردادهایی که با صاحبان خودرو منعقد می‌کنند مقرر می‌دارند مسئولیت هر گونه خسارتی که به خودرو پارک شده وارد گردد، به عهده صاحب خودرو است؛ با این استدلال که کسی که از پارکینگ عمومی استفاده می‌کند، خطراتی که ممکن است خودرو وی را تهدید کند، پذیرفته است. این شرط در دادگاه به عنوان یک دفاع کامل محسوب می‌شود. با این حال استفاده از شروط استثنا برای از بین بردن مسئولیت به وسیله قانون شرایط غیرمنصفانه قرارداد مصوب ۱۹۷۷ ممنوع شده است. این قانون مقرر می‌دارد: در مواردی که در قرارداد شرطی وجود دارد مبنی بر از بین بردن یا محدود کردن مسئولیت ناشی از تقصیر، موافقت فرد یا آگاهی وی از شرایط خطرناک به معنای پذیرش داوطلبانه خطر توسط وی نیست. همچنین قانون ۱۹۷۷ بیان می‌کند شخصی که به فعالیت‌های تجاری اشتغال دارد نمی‌تواند از شرط ضمن عقد جهت از بین بردن مسئولیتش در قبال آسیب یا مرگ شخص استفاده کند (Elliot & Quinn, 2011: 123).

ج) اگر تقصیر خواننده سبب ایجاد یک حادثه غیرمترقبه گردد و خواهان به منظور نجات شخصی که در معرض خطر قرار دارد، با علم به خطر به کمک وی برود، خواننده نمی‌تواند ادعا کند خواهان خطر را پذیرفته است و این دفاع توسط دادگاه رد می‌شود؛ زیرا هر چند خواهان با آگاهی خطر را می‌پذیرد؛ اما به دلیل تعهدات اخلاقی و اجتماعی‌اش در انجام این کار آزادی عمل نداشته است. علاوه بر اینکه در پرونده‌های امداد، تقصیر خواننده که موجب ایجاد خسارت شده است قبل از پذیرفتن ریسک توسط خواهان بوده و در حقیقت نمی‌توان گفت امدادگر به آنچه خواننده انجام داده است، رضایت دارد. با این حال در پرونده‌هایی که اوضاع و احوال حاکی از آن است که به کمک امدادگر نیازی نیست، دفاع پذیرش خطر ممکن است توسط دادگاه پذیرفته شود (Elliot & Quinn, 2011: 125).

۴. به موجب ماده ۱۴۹ قانون ترافیک جاده‌ای مصوب ۱۹۹۸ خواندگانی که مشمول بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی هستند، نمی‌توانند با استناد به پذیرش خطر توسط زیان دیده از جبران خسارت معاف گردند و خسارت وارد به اشخاص به مناسبت حوادث رانندگی به هر نحو که باشد از محل بیمه وسیله نقلیه جبران می‌گردد.

هر شرایطی باید محیط امنی جهت فعالیت کارگر تهیه نماید؛ بنابراین دادگاه‌ها جهت حمایت از کارگر بیشتر به قانون تقصیر مشترک استناد می‌کنند تا حتی در صورت تقصیر کارگر، وی را به طور کلی از جبران خسارت محروم نکنند و بخشی از خسارات وارد به وی تا حد امکان جبران گردد (Harpwood, 2009: 474).

قاعده اقدام مفاد قاعده اقدام

اقدام در لغت به معنی به کاری دست زدن، پیش رفتن در کاری، پیش گذاشتن در امری و پیشی کردن، آمده است (عمید، ۱۳۸۲: ۲۴۶/۱). حقوق دانان در تعریف اقدام گفته‌اند: عبارت است از عملی که زیان به عامل عامد برساند و ساقط‌کننده ضرر و زیان از دیگران باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱/۵۲۸). از دید فقها اقدام عبارت است از اینکه انسان مال دیگری را تصرف کند یا آن را با ضمان قبض کند، خواه اقدامش منجر به تلف مال باشد یا خیر (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۱۷/۷). فقهای معاصر قاعده اقدام را دارای دو تعریف دانسته‌اند: اقدام به ضرر و اقدام به ضمان. الف) اقدام به ضرر: هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ایراد ضرر توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان، مسئولیتی در مقابل صاحب مال ندارد. اقدام در این معنا، مانعی برای اجرای قواعد ضمان قهری از جمله قاعده احترام مال مسلمان است؛ همچنین اگر مستند ضمان، قاعده لاضرر باشد، همین حکم جاری است؛ زیرا قاعده لاضرر برای حمایت از متضرری وضع شده است که خود، مقدمات زیان رساندن به خود را فراهم نکرده باشد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۱/۱؛ کاشانی، ۱۴۰۴: ۷).

ب) اقدام به ضمان: فقها در تعریف ضمان گفته‌اند: ضمان عبارت است از اینکه چیزی در عهده قرار می‌گیرد، به این نحو که گاه خود شخص می‌آید و چیزی را در عهده خودش قرار می‌دهد و گاه ضمان از طریق جعل شارع و عرف ایجاد می‌شود (اصفهان‌ی، ۱۴۱۸: ۱/۳۰۷ و ۳۰۸). امام خمینی (ره) در این زمینه می‌نویسد: هرکس بر ضمان اقدام نماید، ضمان بر عهده وی مستقر می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۴۰۳/۱). گفته شده است اقدام به ضمان از جمله مدارک و حتی تنها مدرک قاعده ما یضمن است. مثالی که برای توضیح اقدام در این معنی آورده شده است، این است که در عقود معاوضی شخص گیرنده ملتزم می‌شود در مقابل نفعی که عایدش می‌گردد عوض بپردازد. به دیگر سخن گیرنده مال به طور مجانی اقدام به قبض مال نکرده است؛ بلکه اقدام او به قبض به طور معوض بوده است. در واقع در عقود صحیح، التزام و تعهد به پرداخت عوض به موجب عقد التزام آور است؛ اما اگر عقد فاسد باشد و طرفین یا یکی از آن دو مال را از طرف دیگر تحویل گرفته باشد، به دلیل آنکه قرارداد مورد حمایت شرع و قانون نیست، عوض المسمی به عهده آن‌ها

نیست و اگر مال گرفته شده در ید آن‌ها تلف شود، ضمان به مثل و قیمت مطرح می‌گردد که مستند این ضمان را فقها اقدام بر ضمان دانسته‌اند. به این معنی که شخص گیرنده هنگام تحویل مال قصد نداشته است آن را مجانی تحویل بگیرد، بلکه در قبال پرداخت عوض اراده تسلیم کرده است و اراده‌اش بر این بوده است که مال در ضمان او باشد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۳ و ۲۲۴).

مستندات قاعده اقدام

الف) روایت «لا یحل مال امریء مسلم الا بطیب نفسه» دلیل بر ضمان است، زیرا دلالت بر احترام مال مسلمان دارد ولی به واسطه نفی آن از طرف مالک ضمان منتفی می‌شود (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۸۷/۲).

ب) روایاتی که دلالت بر جواز اباحه و تبرع به اعمال و اموال بدون هیچ غرامتی بر متبرع و نیز قاعده لاضرر است مبنی بر اینکه پیامبر اکرم دستور دادند به قلع درخت خرما بدون ضمان، از این جهت که صاحبش احترام مال خود را ساقط کرده بود و به ضرر خود اقدام کرده بود (همان).

ج) بنای عقلا: شخصی که بالغ و رشید باشد و با علم و اراده علیه خود بر امور مالی اقدام نماید و باعث ورود ضرر بر مال خود گردد، در واقع اقدام مجانی بر مال خود کرده است و احترام مال خود را ساقط کرده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۹۶/۱).

گستره قاعده اقدام

با استقراء در آثار فقیهان درمی‌یابیم که قاعده اقدام در قراردادهای مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری مؤثر می‌افتد؛ لذا بایسته است در هر یک از موارد سه‌گانه، مواردی از کاربرد این قاعده ارائه گردد.

قراردادها

۱. اگر شخص بالغ با فرد فاقد اهلیت معامله نماید و یا مالش را به وی عاریه و یا ودیعه دهد، در صورت تلف مال ضمانی بر عهده فرد فاقد اهلیت نیست.

۲. در عاریه زمین اگر مستعیر در زمین مورد عاریه، ساختمانی بنا کرده باشد و یا میتی را در آن دفن کرده باشد، در صورت رجوع معیر و از بین بردن بنا یا اخراج میت از زمین، ضمانی بر عهده معیر نیست؛ چرا که مستعیر با این کار به ضرر خود اقدام کرده است.

۳. ارتداد زوجه قبل از دخول؛ چرا که ارتداد زوجه باعث باطل شدن قرارداد مهریه می‌گردد.

۴. اگر کافر ذمی شراب را قرض دهد و بعد از آن اسلام بیآورد، با اسلام آوردنش اقدام بر سقوط قرضش کرده است (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۸ و ۴۸۹). برخی از حقوق دانان عقیده دارند اگر بین فعل زیان بار و ضرر، عنصر شرعی یا قانونی واسطه گردد، قاعده اقدام صدق نمی‌کند. در این مورد، زمانی که

ضرری متوجه وی نیست؛ اما اگر تحصیل اجازه مقدور بوده و با این حال خودداری کرده است، در واقع در اداره اموال دیگران دخالت کرده است و مصداق قاعده اقدام است و حقی بر گرفتن مخارج ندارد، هر چند اقدام او برای دفع ضرر لازم باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۰۴؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۷۰/۱؛ ماده ۳۰۶ قانون مدنی).

مسئولیت کیفری

دقت در نمونه‌های مذکور در بالا نشان می‌دهد که اکثر فقها هنگام بحث از قاعده اقدام به اثر این قاعده در امور مالی اشاره کرده‌اند و در این خصوص که آیا قاعده اقدام در حیطه خسارات وارد به جان نیز کاربرد دارد یا خیر سکوت کرده‌اند. تنها یکی از فقها هنگام بحث از قاعده اقدام بیان می‌دارد که قاعده اقدام در موارد مربوط به شخصیت و تمامیت جسمانی نیز اثر می‌کند (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۸۸). به نظر می‌رسد به همین دلیل است که برخی حقوق دانان با قاطعیت بیان می‌کنند مسائل اقدام در حوزه مالکیت مطرح است و مالکیت را یکی از عناصر قاعده اقدام محسوب کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۳۳۴)؛ اما با کمی دقت در سایر ابواب فقه می‌توان دریافت که قاعده اقدام در زمینه امور غیرمالی هم کاربرد دارد. بررسی نمونه‌های زیر این ادعا را روشن می‌کند:

۱. اگر شخصی با عمل خود باعث لغزنده شدن معبر عمومی گردد و در نتیجه آن پای عابری بلغزد و صدمه ببیند، کسی که باعث لغزنده شدن مسیر عبور شده است ضامن است؛ اما اگر عابر با آنکه می‌توانسته از خطر احتراز کند، به عمد پایش را در محل لغزنده بگذارد، کسی مسئول نیست (نجفی، بی‌تا: ۱۸۲/۴۳؛ حلی، ۱۴۱۹: ۶۵۶/۳؛ ماده ۵۰۷ و ۵۱۲ ق.م.ا).

۲. اگر فردی در مسیر عبور دیگران بخوابد و دیگری با او برخورد کند و بمیرد، فردی که خوابیده ضامن است و اگر در اثر این برخورد فرد خوابیده بمیرد و عابر نمی‌دانسته در سر راهش کسی خواب است، ضمانتی بر عهده عابر نیست؛ چرا که متوفی خطرات خوابیدن در معبر عمومی را پذیرفته است (حلی، ۱۴۱۹: ۶۵۶/۳).

۳. اگر کسی دیگری را در آتش بیندازد و با اینکه وی قدرت دارد که از آتش خارج شود، از آن بیرون نیاید، کسی که فرد را میان آتش افکنده ضامن نیست؛ چرا که مرگ مستند به فعل متوفی می‌باشد (خویی، ۱۴۲۲: ۴۲/۶).

۴. ماده ۵۰۴ ق.م.ا بیان می‌کند: هرگاه راننده‌ای با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد نماید ضمانت متفی است و در غیر این صورت راننده ضامن است. عبور از محل ممنوع بی‌گمان تقصیر است؛ اما برای اینکه مصدوم از حق خسارت محروم گردد و راننده از مسئولیت

شخص مسلمان می‌شود، از حیث مالکیت خود بر شراب ضرر کرده است، اما بین فعل مسلمان شدن و ضرر مذکور وصف اسلام حائل شده است؛ همچنین ضرر حاصل از تغییر تابعیت ایرانی، در رابطه با مالکیت اموال غیرمنقول، یعنی تغییر تابعیت، مصداق قاعده اقدام نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۳۳۵/۱).

۵. در صورت فساد عقد مساقات، اگر عامل به بطلان عقد جاهل باشد، به وی اجرت المثل تعلق می‌گیرد و تمام ثمره از آن مالک خواهد بود؛ اما اگر عامل به فساد معامله آگاه باشد، حکم متبرع را دارد و چیزی به وی تعلق نمی‌گیرد. در حقیقت عامل با آگاهی به بطلان معامله، حرمت عمل خود را از بین برده است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۷۵).

۶. اگر معلوم شود عقد اجاره به سببی باطل بوده است، موجر نمی‌تواند مطالبه اجرت المسمی نماید و فقط می‌تواند اجرت المثل منافع استیفا شده را مطالبه کند، اما اگر موجر به بطلان عقد اجاره آگاه باشد، حق مطالبه اجرت المثل را هم ندارد، چرا که وی اقدام به هتک حرمت مال خود کرده است (طباطبایی زدی، ۱۴۱۹: ۳۵/۵).

۷. اگر شخصی با علم به غبن فاحش، اقدام به خرید یا فروش یا اجاره چیزی کند، خیار فسخ ندارد و نمی‌تواند مطالبه خسارت کند؛ چرا که وی به زیان خود اقدام کرده است.

مسئولیت مدنی

۱. اتلاف و تسبیب: گفته شده است عنصر اصلی و لازم در قواعد اتلاف و تسبیب استناد عرفی است و اگر زیان دیده به نحوی علیه خود اقدام نماید، رابطه استنادی به شخص مسبب مرتفع می‌گردد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۲)؛ بنابراین اگر شخصی مال خود را در اختیار شخص فاقد اهلیت قرار دهد، کسی مسئول تلف مال وی نخواهد بود (طاهری، ۱۴۱۸: ۲۶۹/۲؛ ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی).

۲. غصب: غاصب ضامن تلف و نقص مال مغضوب می‌باشد و حتی در صورتی که بین تلف مال و عمل غاصب رابطه سببیت وجود نداشته باشد، باز هم غاصب ضامن است؛ همچنین اگر غاصب از مال خود نفقه حیوان مغضوب را بدهد و یا با عمل خود باعث افزایش قیمت مال مغضوب شود، مالک ضامن نیست و فقها این امر را مستند به اقدام مالک علیه اموال خود می‌دانند (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۸؛ گیلانی، بی‌تا: ۴۹؛ مواد ۳۰۸ به بعد ق.م.ا).

۳. اداره فضولی مال غیر: ماده ۳۰۶ ق.م.ا بر قاعده احسان و نیز قاعده اقدام دلالت دارد؛ اگر کسی مال غایب یا مهجور را بدون اجازه صاحب مال یا کسی که حق اجازه دادن نسبت به مال مهجور دارد، تصرف کند شامل این موارد می‌شود: اگر تحصیل اجازه مقدور نبوده و یا تحصیل اجازه مستلزم گذشتن مدت زمانی بوده است و گذشتن آن موجب ضرر بر مال مهجور و غایب می‌شود، از جهت احسان باید مال مسلم را حفظ و نگهداری کرد، پس متصرف طبق قانون عمل کرده است و

تصادم مبرا شود، دو شرط لازم است: اولاً راننده تقصیر نداشته باشد. ثانیاً تصادم احتراز ناپذیر باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۷۳). در حقیقت فرد عابر با اقدام خود باعث شده است رابطه سببیت میان فعل راننده و ضرر وارده قطع گردد.

شرایط و آثار قاعده اقدام

الف) شرایط قاعده اقدام

فقها ضمن تعریف قاعده اقدام برخی از شرایط آن را نیز ذکر کرده اند که در ادامه به آن ها می پردازیم. در صورتی که هر یک از این شرایط مفقود باشد، قاعده اقدام نمی تواند مورد استناد قرار بگیرد.

۱. اهلیت فرد اقدام کننده: عمل شخصی علیه اموالش باعث از بین رفتن حرمت مالش می گردد که بالغ، عاقل و رشید باشد (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۵۷؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۰۲). علامه حلی در این زمینه می فرماید: هنگامی که حکم حجر سفیه توسط حاکم تأیید شد، خرید و فروش و دیگر تصرفات مالی اش نافذ نمی باشد و آنچه از اموال وی به فروش رسیده است، به حاکم برگردانده می شوند و ثمن آن به مشتری برگردانده می شود و اگر در دست سفیه تلف گردد، ضمانتی بر سفیه نیست و همچنین است حکم اموالی که اشخاص به رضایت خود در اختیار سفیه قرار می دهند و نیز اگر شخصی مال خود را در دست صغیر و مجنون قرار دهد؛ مثل اینکه مال را به آن ها قرض، عاریه یا ودیعه دهد، اگر در دست صغیر و مجنون تلف گردد ضمانتی بر عهده آن ها نیست (حلی، ۱۴۲۰: ۵۳۸/۲ و ۵۴۰؛ ماده ۱۲۱۵ق.م).

۲. اختیار: عمل فردی علیه مالش می تواند مستند قاعده اقدام قرار بگیرد که مختار باشد؛ بنابراین اگر شخصی دیگری را مجبور کند تا مالش را برای تلف کردن در اختیار وی قرار دهد؛ از مسئولیت معاف نمی باشد. چنانکه مفاد روایت «لا یحل مال امریء مسلم الا بطیب نفسه» دلالت بر همین موضوع دارد. مضمون این خبر که از سماعه بن مهران از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است این است که چنانچه نزد او امانتی باشد باید آن را به صاحبش برگرداند؛ زیرا جان و مال مسلمان بر کسی حلال نمی باشد و تصرف در آن جایز نیست، مگر اینکه رضایت داشته باشد؛ بنابراین تمام موضوع برای جواز تصرف و حلیت مال غیر همان اذن، طیب و رضایت نفس است و زمانی که اذن و رضایت مالک برای تصرف در مالش موجود باشد، ضمان ساقط می شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۱۱۴؛ مراغی، ۱۴۱۷: ۴۸۸).

۳. علم: در مواردی که فقها به قاعده اقدام برای اسقاط ضمان استناد کرده اند همگی علم شخص مقدم را ذکر کرده اند. برای مثال اگر مغبون بعد از علم به غبن، در مال تصرفی نماید که مسقط خیار غبن باشد، به استناد قاعده اقدام، خیار وی ساقط می شود (انصاری، ۱۴۱۵: ۵/ ۱۸۵)؛ همچنین در مواردی که شخص با آگاهی به غبن فاحش اقدام به معامله نماید، در مورد

وی خیار جریان ندارد (همان: ۱۷۷)؛ یا زمانی که شخص با علم و آگاهی مال خود را در اختیار مجنون قرار دهد و او آن را تلف کند، ضمان بر عهده مجنون نیست (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۰۱)؛ همچنین زمانی که طرفین با هم عقد مزارعه منعقد می کنند و زمین بی آب است، در صورتی که عامل به بی آبی زمین آگاه باشد، خیار فسخ برایش قائل نشده اند و علت آن را اقدام عامل آگاه علیه خود دانسته اند؛ این در حالی است که عاملی که از بی آبی زمین مطلع نباشد خیار فسخ دارد (بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۱۰).

۴. قصد: عده ای از حقوق دانان بر این باور هستند که برای تحقق قاعده اقدام، فرد اقدام کننده باید قصد داشته باشد و بیان می کنند برخی از فقها راجع به زیان وارده ناشی از بعضی از حوادث استدلال می کنند که هرگاه کارگری در حین کار و بر اثر حادثه ای ناقص شود یا فوت نماید؛ مانند اینکه نجار یا بنا از بالای چوب بست ساختمانی به پایین پرت شود و زبانی به آنان برسد، این قبیل زیان ها ناشی از عمل و اقدام خود آن ها می باشد؛ زیرا هر یک به میل و اختیار خود به ضرر خود اقدام کرده اند و قاعده اقدام مانع از مسئولیت غیر است. سپس بر این استدلال خدشه وارد می کنند؛ چرا که قاعده اقدام ناظر به مواردی است که شخص عاقل و محتاط از آن پرهیز کند؛ مانند اینکه کسی خود را از بلندی پرت کند یا به کار غیرعقلانی دست بزند؛ بنابراین هرگاه کارگر در حین کار صدمه ای ببیند به هیچ وجه شامل قاعده اقدام نمی شود و صاحب کار یا منتفع از کار او بنا به قاعده تسیب مسئول جبران خسارت است (جوان، بی تا: ۳۴۴ و ۳۴۵ به نقل از موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۰۲ و ۱۰۳). برخی از حقوق دانان معتقدند در صدق قاعده اقدام، ضرورت ندارد اقدام کننده قصد ایراد ضرر بر خود را داشته باشد و نیز علم و جهل اقدام کننده به کیفیت فعل خود لازم نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۳۳۵). با توجه به مطالب پیش گفته ضعف این ادعا آشکار می گردد.

ب) آثار قاعده اقدام

۱. اقدام مسقط ضمان به طور کامل: در فقه اقدام را یک دفاع کامل محسوب کرده اند و گفته اند امری که باعث ضمان می شود قاعده احترام مال مسلم می باشد و وقتی مالک با طیب نفس عملی انجام می دهد که باعث اسقاط حرمت مالش می گردد، کسی در مقابل وی ضامن نیست (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۸۸). در حقیقت از مثال هایی که در فقه زده شده است چنین برمی آید که اثر اقدام ویژه موردی است که کار زیان دیده سبب اصلی یا قوی تر از اقدام مباشر تلف باشد و بیشتر فرضی است که زیان دیده به کار خود رضایت داشته است نه جایی که خطای او به تقصیر دیگری پیوند خورده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۹۶).

۲. اقدام مسقط ضمان به طور جزئی: امروزه برخی از حقوق دانان بر این باورند که نباید دامنه قاعده اقدام را به آنچه

دلیل در میدان‌های ورزشی نمی‌توان به استناد پذیرش خطر به عدم مسئولیت بازیکنان به طور کلی حکم داد و چنانچه تخطی شدید از مقررات ورزشی رخ داده باشد باعث ایجاد مسئولیت مدنی می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۴).

بحث و نتیجه‌گیری

۱. قاعده اقدام به این معنی است که هرگاه شخص با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ایراد ضرر توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان مسئولیتی ندارد. این قاعده در قراردادهای، مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری مورد استناد قرار می‌گیرد.

۲. دفاع پذیرش خطر یا (assumption of risk)، (voluntary assumption of risk) به این معنی است که اگر کسی دانسته خطری را قبول کند، در حقیقت به ضرر خود اقدام کرده است و بنابراین مستحق دریافت خسارت بابت زیان وارده نیست.

۳. قاعده اقدام و پذیرش خطر هر دو مسقط ضمان هستند و علاوه بر خسارات وارد بر اموال در مورد خسارات وارد بر تمامیت جسمانی نیز مورد استناد قرار می‌گیرند.

۴. تنها تفاوت قاعده اقدام با پذیرش خطر این است که پذیرش خطر یک دفاع تمام‌عیار است و در صورت پذیرفته شدن آن از سوی دادگاه، خواننده به طور کامل از جبران خسارت معاف می‌گردد، در حالی که قاعده اقدام علی‌رغم اینکه در موارد بسیاری مسقط ضمان به طور کامل می‌باشد، ممکن است در مواردی به طور جزئی هم باعث اسقاط ضمان گردد.

منابع

- اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸). حاشیه کتاب المکاسب (ط-الحدیثه). تحقیق و تصحیح عباس محمد آل سباع قطیفی. قم: انوارالهدی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). کتاب المکاسب والبیع والخیارات. تحقیق و تصحیح گروه پژوهش در کنگره. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بحرانی، آل عصفور یوسف بن احمد ابراهیم (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. محقق محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- (۱۳۸۶). الفارق، دائرة المعارف عمومی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰). تحریر الاحکام الشریعیة علی مذهب الامامیة. محقق ابراهیم بهادری. قم: نشر مؤسسه امام صادق (ع).
- رشتی گیلانی، میرزا حبیب الله (بی تا). کتاب الغصب. بی جا.

فقها گفته‌اند محدود کرد. این دسته از صاحب نظران عقیده دارند که باید دامنه قاعده اقدام را تا جایی گسترش داد که تقصیر زیان دیده به تقصیر دیگری گره خورده است و هر دو موجب ایجاد خسارت می‌شوند، در حقیقت گاه شخص به رضای خود سبب ورود ضرر را فراهم می‌کند، گاه در خطایی که به زیان او انجام می‌شود شرکت می‌کند؛ مانند اینکه در یک سانحه رانندگی مسافر کمر بند ایمنی نبسته باشد و در نتیجه سرعت غیرمجاز راننده و نیستن کمر بند آسیب ببیند، گاه نیز شخص از خطری که دیگری برایش ایجاد کرده است به موقع نمی‌گریزد و این خطا به او ضرر وارد می‌کند؛ مانند اینکه فردی که خانه‌اش در اثر عمل دیگری آتش بگیرد و وی با وجود امکان، مأمورین آتش نشانی را خبر نکند. این سه فرض در حقیقت چهره‌های گوناگون از اعمال یک قاعده است و باید آن‌ها را از شاخه‌های قاعده اقدام شمرد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۱۲-۳۱۴). بنا بر ارائه چنین تفسیری از قاعده اقدام باید در هر مورد حکمی جداگانه داد: جایی که اقدام زیان دیده تنها علت ورود خسارت است، زیان دیده برای جبران خسارت حق رجوع ندارد و در واقع اقدام مسقط ضمان است، اما جایی که تقصیر زیان دیده در کنار تقصیر دیگری موجب بروز خسارت است، زیان دیده به نسبت خطای خودش حق رجوع به عامل زیان را ندارد و برای بقیه خسارت که در اثر تقصیر دیگری ایجاد شده است، می‌تواند به زیان زنده رجوع نماید.

نسبت قاعده اقدام و قاعده پذیرش خطر

قاعده پذیرش خطر در نظام حقوقی کامن لا با قاعده اقدام در حقوق اسلامی شباهت‌های فراوانی دارند؛ پذیرش خطر یک دفاع کامل است و در صورت قبول آن از سوی دادگاه خواننده به طور کامل از جبران خسارت معاف می‌گردد. قاعده اقدام نیز از جمله مسقطات ضمان محسوب می‌شود و در کتاب‌های فقهی اکثر فقها عقیده دارند قاعده اقدام مسقط ضمان به طور کامل مسقط می‌باشد؛ اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد برخی حقوق دانان بر این باورند قاعده اقدام تنها مسقط ضمان به طور کامل نیست؛ بلکه در مواردی که اقدام زیان دیده با تقصیر شخص دیگری همراه شود، باعث کاهش مسئولیت می‌شود؛ بنابراین نظر، تفاوت قاعده اقدام با پذیرش خطر در این است که قاعده اقدام مسقط ضمان به طور کلی و جزئی است در حالی که پذیرش خطر تنها مسقط ضمان به طور کلی است. برای مثال اگر فردی مال خود را به کودک یا دیوانه بسپارد و مال در دست وی تلف گردد، علیه مال خود اقدام کرده است و در حقیقت با سپردن مال به کودک یا دیوانه خطر تلف شدن مال را پذیرفته است و بنابراین متلف مال در مقابل وی مسئولیت ندارد. همچنین قاعده اقدام و پذیرش خطر علاوه بر موارد ضرر بر مال در موارد ضرر بر تمامیت جسمانی نیز مورد استناد قرار می‌گیرد؛ البته در این زمینه باید انصاف را رعایت کرد و همیشه فاعل زیان را به صرف پذیرش خطر از جانب زیان دیده از کل مسئولیت مبرا ندانست. به همین

- رفیعی، محمد تقی و همکاران (۱۳۸۳). فرهنگ حقوقی مجد. تهران: انتشارات مجد.
- صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸). حقوق مدنی. جلد ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۱۹). العروة الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عمید، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ عمید. چاپ نهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاشانی، ملا حبیب الله شریف (۱۴۰۴). تسهیل المسالك الى المدارک فی الرؤس القواعد الفقهية. قم: مطبعة العلمية.
- محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶). قواعد فقه. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۴۰۱). قواعد فقهیه. چاپ سوم. تهران: موسسه عروج.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲). مبانی تکملة المنهاج. قم: موسسه احیاء آثار امام خویی (ره).
- مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷). العناوین الفقهية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۲۱). مائة قاعدة الفقهية. چاپ چهارم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهية. جلد ۷. قم: نشر الهادی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱). کتاب البیع. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهر الکلام. تصحیح و تحقیق رضا استادی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- Black, H., Nolan, J. & Haley, J. (1990). *Black's law dictionary: definitions of the terms and phrases of American and English jurisprudence, ancient and modern* by Henry Campbell Black. 6th ed. St. Paul, MN: West.
- Cavendis - Routledge. (2002). *Tort law cards, 3rd edition*. London: Cavendish publishing.
- Elliott, C. & Quinn, F. (2011). *Tort law*. Harlow, Essex, England New York: Pearson Longman.
- Harpwood, V. (2000). *Principles of tort law*. London: Cavendish.
- Harpwood, V. (2009). *Modern tort law*. London New York: Routledge-Cavendish.
- Prosser, W. L., (1978). *Law of Torts (4th ed)*. St. Paul, MN: West
- Stephenson, G. (2000). *Sourcebook on torts*. London: Cavendish.
- Stuhmcke, A. (2001). *Essential tort law*. Sydney, N.S.W. London: Cavendish.